

دستورات آمریکا برای کشتار مردم ایران

۱۴ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۰

ژنرال هایزر در خاطراتش به این نکته که دولت آمریکا تنها به دنبال حفظ منافع خود بود و برای این مهم دست به هرکاری می‌زد اعتراف کرده و می‌نویسد: «در گذشته خشونت‌هایی نشان داده بودیم و حاضر بودیم در صورت لزوم پا را فراتر بگذاریم»

در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، آمریکا به شدت ژست دموکراتیک به خود می‌گرفت و تلاش داشت تا با فشار آوردن به رژیم برای اعمال آزادی‌های مدنی به مردم و طبعا جلب رضایت آنان از بروز انقلاب در ایران جلوگیری کند. با شکست این سیاست در ایران، آمریکا به رژیم دستور داد با اعمال خشونت مانع از بالا گرفتن موج انقلاب شود اما این روش نیز مردم را از مخالفت علیه رژیم منصرف نکرد. در چنین شرایطی آمریکا برای تداوم سلطه خود بر ایران، یکی از کارگرفته‌ترین ژنرال‌های خود را به ایران اعزام کرد. جلوگیری از فروپاشی ارتش ایران پس از خروج شاه و تضمین حمایت ارتش از حکومت بختیار به هر نحو ممکن، ماموریت رابرت هایزر ژنرال ۴ ستاره ارتش آمریکا بود. هایزر با چنین ماموریتی به صورت محرمانه در ۱۴ دی ماه سال ۵۷ وارد تهران شد. دو روز بعد البته این خبر در مطبوعات منعکس شد.

هایزر پس از ورود، بلافاصله تاکید بر خروج شاه از ایران کرد و بر همین اساس چند روز بعد در ۲۶ دی ماه این اتفاق افتاد. پس از خروج شاه از ایران، هایزر مسئول اصلی هدایت رژیم در ایران برای ممانعت از بروز انقلاب شد.

گزارش پیش‌رو به دنبال آن است تا با استفاده از شواهد موجود به ویژه خاطرات منتشر شده هایزر، به حمایت آمریکا از کشتار انقلابیون ایران بپردازد.

اعزام هایزر به ایران با هدف مهار انقلاب

از آنجا که شرایط ایران در نیمه دوم سال ۵۷ نشان از ظهور یک انقلاب با ایدئولوژی مذهبی نیرومند می‌داد، سران کشورهای غربی در کنفرانس گوآدالوپ تلاش کردند تا به هر نحو ممکن این انقلاب را کنترل کنند. مهمترین اقدام پس از برگزاری کنفرانس گوآدالوپ اعزام یک مستشار آمریکایی به ایران به منظور تقویت نیروهای نظامی و مهار انقلاب بود. بنابراین عملیات، ژنرال رابرت هایزر، معاون فرماندهی نیروهای آمریکایی در اروپا در روز پنجشنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۵۷ (۴ ژانویه ۱۹۷۹) به طور مخفیانه وارد تهران شد.

عزام هایزر به ایران' آخرین تلاش آمریکا برای غلبه بر بحران ایران از طریق نظامی بود. همزمان با این حضور، سرکوب و اعمال خشونت علیه انقلابیون افزایش یافت. توسعه خشونت علیه مردم، دقیقا با نظریه برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر مبنی بر اعمال خشونت و سرکوب خونین انقلابیون منطبق بود. [۱] هایزر در گزارش‌های ارسالی خود به کاخ سفید ابراز امیدواری کرده بود که ۸۵ درصد از نیروهای مسلح از فرماندهان خود تبعیت کرده و حاضر خواهند شد تا به روی مخالفان رژیم آتش بگشایند. [۲]

دستور تیراندازی به سوی مردم توسط نماینده آمریکا

با خروج شاه از کشور در اواخر دی ماه سال ۵۷، ارتش مهمترین پایگاه آمریکا در ایران تلقی می‌شد که می‌بایست با کمک آن رژیم وابسته به غرب حفظ شود. از سوی دیگر خروج شاه از ایران پیروزی بزرگی برای مخالفان محسوب می‌شد که می‌توانست تب انقلاب را شعله‌ورتر کند.

در چنین شرایطی، یکی از طرفندهای هایزر برای عقب راندن نیروهای مردمی ایجاد هراس در میان آن‌ها با نشان دادن یک پارچگی و آمادگی ارتش بود. چنانچه هایزر در خاطراتش می‌نویسد: «نیروها را وارد خیابان می‌کردیم تا به مردم نشان دهند آراسته و منضبط هستند. این رژه برنامه اپوزوسیون را که سعی می‌کرد همه بدانند چه کسی کنترل واقعی اقتصاد را بر عهده دارد، تعدیل می‌کرد. آنها گفته بودند فقط به خاطر مردم اقتصاد را کنترل می‌کنند و هر لحظه می‌توانند جریان آن را قطع کنند و واقعا هم درست می‌گفتند. تنها راه تغییر این واقعیت این بود که نیروی نظامی وارد عمل شود و کار را تمام کند.» [۳]

هایزر در گفتگوی خود با هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا به تقدم اهداف آمریکا نسبت به جان انسان‌ها تاکید کرده و کشتار ده‌ها هزار نفر را برای رسیدن به هدف مورد نظر دولت متبوعش ضروری می‌داند و می‌گوید: «هارولد براون می‌خواست ارزیابی مرا از میزان تلفات احتمالی کودتا بداند. گفتم: فکر می‌کنم نسبتا زیاد باشد، اما دیدگاه قبلی‌ام را مطرح کردم که باید دورنمای این مسئله را در نظر گرفت... در میدان نبرد باید تلفات را در برابر دستاوردها سنجید. اکنون مرگ ده هزار نفر می‌تواند زندگی میلیون‌ها انسان را در آینده حفظ کند.» [۴]

نکته حائز اهمیت آن است که هایزر به راحتی از کشتار ده هزار نفر برای نیل به اهداف آمریکا صحبت می‌کند و آن را توجیه قابل قبولی می‌پندارد. در سوی مقابل این توجیه برای براون نیز کاملا منطقی و قابل پذیرش تلقی می‌شود و این اصل را تداعی می‌کند که «برای جلوگیری از پیروزی انقلاب ایران و ممانعت از کوتاه شدن دست آمریکا از خاورمیانه کشتار مردم ایران به هر میزان مجاز است.»

هایزر در بخش دیگری از خاطراتش که شاهدهی دیگر در اثبات نقش آمریکا در کشتار انقلابیون است، گفته «در روز نهم بهمن یک پیام تلفنی رسید که اپوزوسیون آماده حمله به مقر ژاندارمری در تهران است. توصیه کردم این مرکز باید به عنوان یک مرکز

مهم دولتی مورد توجه و حفاظت قرار گیرد. به نظر من روش درست این بود که روی سر راهپیمایان تیراندازی هوایی کنند و از گاز اشک‌آور استفاده نمایند. اگر این روش موثر نبود، لوله تفنگ‌ها باید پایین می‌آمد تا شکی باقی نماند که نیروها شوخی ندارند. ژنرال قره‌باغی فوراً با آقای بختیار تماس گرفت و بعد آجودانش را صدا کرد. خیلی سریع به زبان فارسی دستور آتش داد و به طرف من برگشت و گفت: همان طور که صحبت کرده بودیم اوضاع دقیقاً کنترل خواهد شد.» [۵]

در جایی دیگر هایزر به این نکته که دولت آمریکا تنها به دنبال حفظ منافع خود بود و برای این مهم دست به هرکاری می‌زد اعتراف کرده و می‌نویسد: «می‌دانستیم که باید خطرات را برای رسیدن به منافع پذیرفت و در اینجا منافع ما بر خطرات می‌چربید. در گذشته خشونت‌هایی نشان داده بودیم و حاضر بودیم در صورت لزوم پا را فراتر بگذاریم و نشان دهیم که قدرت برخورد را داریم.» [۶]

درباره ماموریت هایزر در ایران، او در کتاب خاطراتش نوشته است: «من برای بررسی این مسأله، مخفیانه به تهران آمدم که کودتا چگونه میسر است و آیا اصلاً به مصلحت هست یا نه؟ پس از بررسی‌های بسیار، از واشنگتن دستور رسید که دولتی قوی به رهبری شاپور بختیار تشکیل شود. در صورتی که این کار شکست بخورد کودتای نظامی انجام خواهد شد.»

بژرینسکی مشاور امنیت ملی کارتر توضیحات مفصلی در کتاب خاطرات دوران خدمت خود در کاخ سفید داده و صریحاً اعتراف می‌کند که طرح یک کودتای نظامی در ایران در صورت شکست بختیار یکی از وظایف اصلی هایزر در تهران بوده است. بژرینسکی درباره این طرح و نقش هایزر در تهیه مقدمات آن می‌نویسد: «اجرای نقشه کودتا در ایران، هم به یک برنامه ریزی دقیق و طرح لجستیکی و هم به تصمیم و اراده سیاسی از طرف فرماندهان نظامی ایران بستگی داشت. و علاوه بر آن مستلزم علامت یا اجازه ای از طرف یک مقام قابل قبول بود. ماموریت هایزر آماده نگاهداشتن ارتش ایران برای انجام چنین برنامه ای در صورت ضرورت بود و با رفتن شاه از ایران فقط واشنگتن می‌توانست علامت لازم را برای اجرای این نقشه در ایران بدهد.»

اما این اقدامات قهرآمیز علیه انقلابیون فضای انقلاب را هرچه بیشتر برضد آمریکا متشنج کرد به طوری که هایزر در خاطراتش می‌نویسد: «آتشی که پیرامون حضور من در تهران ایجاد شده بود آزاردهنده بود و شعار «مرگ بر هایزر» به یک دیوارنوشته عمومی تبدیل شده بود. اسم من در کنار تصویرم به همراه پرزیدنت کارتر روی پلاکارهایی که به وسیله راهپیمایان حمل می‌شد نقش بسته بود.» [۷]

به طور کلی، از مطالعه و بررسی مجموع اخبار و اسناد، چنین استنباط می‌شود که مأموریت ژنرال هایزر در ایران بر چهار مسأله دور می‌لزد: نخست آن که از عملیات خودسرانه و حساب نشده ارتش پس از فرار شاه از ایران، جلوگیری شود. دوم آن که ارتش را موظف سازند از دولت بختیار پشتیبانی نماید و در صورت لزوم مبادرت به کودتای نظامی شود. سوم آن که تکلیف قراردادهای فروش سلاح‌های پیشرفته آمریکا در ایران روشن گردد. چهارم آن که وسایل و سلاح‌های مدرن آمریکا در ایستگاه‌های رادار در ایران به تصرف شوروی درنیاید. با این حال نهضت اسلامی ملت ایران به حدی گسترش یافت که کاری از دست ژنرال هایزر و کاخ

سفید برنیامد و او چند روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، از تهران گریخت.

انتهای پیام/

۱. علیرضا ملایی ، «تحلیلی از ماموریت ژنرال هایزر در ایران»، مجله تاریخ معاصر ایران، ص ۱۲، ص ۱۰.

۲. باری روبین، جنگ قدرت‌ها در ایران، ص ۱۷۷.

۳. رابرت هایزر، ماموریت به تهران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۲۵۴.

۴. همان، ص ۱۹۲.

۵. همان، ص ۲۹۱ و ۲۹۲.

۶. همان، ص ۳۰۱.

۷. همان، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۵۲۱/دستور-آمریکا-کشور-ایران-مردم-کشور-آمریکا-دستورات/۳۲۵۲۱>